

سلیقه‌های سیاسی در ترازوی افکار عمومی

با اعلام لیست نهایی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان، فضای سیاسی کشور جنب و جوش بیشتری به خود گرفته و رصد اخبار و تحولات نشان می‌دهد روز به روز سرعت و گستره فعالیت‌های انتخاباتی از سوی نامزدها و هواداران آنان در حال افزایش است.

گزارش خبری کیهان از رقابت‌های انتخاباتی سلیقه‌های سیاسی در ترازوی افکار عمومی



با اعلام لیست نهایی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری از سوی شورای نگهبان، فضای سیاسی کشور جنب و جوش بیشتری به خود گرفته و رصد اخبار و تحولات نشان می‌دهد روز به روز سرعت و گستره فعالیت‌های انتخاباتی از سوی نامزدها و هواداران آنان در حال افزایش است.

در حالی که رسانه‌های غربی و معاند نظام از مدت‌ها پیش سعی داشتند در فضا سازی‌های رسانه‌ای خود، یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را یک انتخابات سرد و یک سویه معرفی کنند، اما واقعیت‌های صحنه نشان می‌دهد که حضور سلايق و جریان‌های مختلف در این انتخابات از دوره‌های قبل نیز پررنگ‌تر بوده و علاوه بر رقابت‌های جناحي و جریانی، نوعی رقابت درون‌گفتمانی نیز در این دوره قابل مشاهده و بررسی است.

اگر بررسی سلايق مختلف سیاسی را از جریان اصولگرایی آغاز کنیم به ترتیب حروف الفبا به نام "سعید جلیلی" می‌رسیم. وی که در مهرماه سال 86 به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی، جایگزین علی لاریجانی شد، با همه‌اما و اگرهایی که درباره آمدن و نیامدنش وجود داشت، بالاخره در آخرین روز مهلت قانونی به خیابان فاطمی رفت و با ثبت نام خود، رسماً وارد گود رقابت شد.

ثبت نام جلیلی در حالی بود که پیش از او کامران باقری لنگرانی به عنوان وزیر جوان و موفق دولت نهم، وارد این عرصه شده و جبهه پایداری حمایت خود را از وی رسماً اعلام کرده بود. بالاخره در روزهای پایانی منتهی به اعلام اسامی افراد احرار صلاحیت شده، کاندیدای جبهه پایداری در بیانیه‌ای رسمی انصراف خود را به نفع جلیلی از میدان رقابت اعلام کرد، هرچند طرفداران جلیلی معتقدند که وی صرفاً کاندیدای یک جبهه یا جریان خاص نیست؛ بلکه به نمایندگی از گفتمان انقلاب اسلامی به صحنه ورود پیدا کرده است. جلیلی که در جامعه او را بیشتر به عنوان یک دیپلمات می‌شناسند و تصویر او را در مذاکرات هسته‌ای با کاترین اشتون-رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا- در ذهن دارند، علی باقری، معاون خود در شورای عالی امنیت ملی را به عنوان رئیس ستاد فعالیت‌های انتخاباتی خود برگزیده و در سخنرانی‌ها و مواضع خود بر عنصر «171# مقاومت» در عرصه سیاست و اقتصاد تأکید دارد. وی پیش از عهده دار شدن دبیری شورای عالی امنیت ملی و ریاست تیم مذاکرات هسته‌ای کشورمان با 5+1، معاون اروپا آمریکایی وزارت امور خارجه بود.

همچنین در طیف موسوم به اصولگرا سه نامزد «171# ائتلاف برای پیشرفت» - غلامعلی حدادعادل، علی اکبر ولایتی و محمد باقر قالیباف (موسوم به ائتلاف 2+1 یا ائتلاف سه گانه) ثبت نام کرده و هر سه موفق به اخذ کارت سبز از شورای نگهبان شدند. این ائتلاف از اوایل زمستان سال گذشته با انتخاب حسین مظفر به عنوان رئیس ستاد انتخابات، کار خود را جدی‌تر آغاز کرد. اعضای این ائتلاف بارها اعلام کردند که در نهایت یکی از آنان به عنوان نامزد نهایی وارد گود رقابت خواهد شد و دیگر اعضا از او حمایت خواهند کرد.

در اغلب تحلیل‌های ارائه شده از سوی منابع مختلف، این ائتلاف یکی از اضلاع اصلی رقابت در انتخابات آتی خواهد بود. حداد عادل که وجه فرهنگی به حضور سیاسی اش تنه می‌زند، ولایتی که او را دیپلماتی کار کشته می‌دانند و قالیباف که از فرماندهی در جنگ آغاز و اکنون به شهرداری تهران رسیده، در اظهار نظرهای مختلف خود، سامان دادن به اوضاع اقتصادی و تلاش برای پیشبرد آرمان‌های انقلاب را سرلوحه برنامه‌هایشان عنوان کرده‌اند.

در دیگر سو نام حسن روحانی و محمد رضا عارف به چشم می‌خورد.

حسن روحانی که روزی دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است، 22 فروردین ماه در جلسه‌ای با حضور دو تن از فرزندان هاشمی، رسماً اعلام کاندیداتوری کرده و دولت خود را دولت تدبیر و امید خواند. اغلب اعضای اصلی ستاد روحانی را افرادی از طیف دولت هاشمی و حزب کارگزاران تشکیل می‌دهند.

چند روز قبل، روحانی با بیان اینکه مشوق اصلی وی برای حضور در انتخابات هاشمی بوده است، افزود: در ملاقات اولیه، ضمن خطیر دانستن شرایط کشور، حضور من در انتخابات را ضروری دانست. در ملاقات امروز هم من را به پایداری و استقامت در ادامه مسیر تشویق کرد ولی هشدار داد تخریب‌ها و حملات بسیاری در انتظارم خواهد بود. وی در خاتمه عنوان کرد: برنامه «171# دولت تدبیر و امید» حاصل بازنگری انتقادی تجربیات سیاست‌گذاری و اجرایی دولت‌های پیشین از جمله دولت سازندگی است.

محمد رضا عارف که معاون اولی دولت دوم اصلاحات را در کارنامه خود دارد، رسماً با تابلو جریان اصلاحات و دوم خرداد به میدان آمده و مدعی شده دوم خرداد دیگری در راه است! عارف برنامه‌های خود برای اداره کشور را در یک سند 22 بندی ارائه کرده است.

از طیف موسوم به اصولگرا و اصلاح طلب که بگذریم، دو کاندیدا هم با تابلوی مستقل به میدان آمده‌اند؛ محسن رضایی و محمد غرضی.

رضایی که فرماندهی سپاه در دوران جنگ را در کارنامه خود دارد، سابقه چند دوره کاندیداتوری ریاست جمهوری نیز دارد و در این دوره با شعار «#171 پیروزی صداقت بر ثروت و قدرت» به میدان آمده است. رضایی اصلاح ساختارهای اقتصادی کشور را از جمله برنامه‌های اصلی خود عنوان کرده است و معتقد است که ائتلاف را باید به پس از انتخابات موکول کرد. محمد غرضی شاید برای نسل جوان جامعه چهره‌ای گمنام باشد. او یک دوره وزارت نفت، چندین دوره وزارت پست و تلگراف و تلفن سابق و استانداری را هم در کارنامه خود دارد. غرضی با شعار دولت ضدتورم وارد میدان شده و گفته است نه در اردوگاه اصلاح طلبان است و نه کارگزاران.

حضور این هشت چهره در عرصه رقابت در حالی است که مقام معظم رهبری نیز بر حضور سلايق مختلف سياسي در انتخابات تاکید کرده اند. با توجه به این آرایش انتخاباتی خبرهای مختلفی از سناریوهای انتخاباتی به گوش می‌رسد؛ از تلاش برخی اصولگرایان و اصلاح طلبان برای وحدت و ائتلاف درون گروهی و انصراف نامزدها به نفع یکدیگر، برای افزایش رای و غلبه بر رقیب. بنظر می‌رسد یکی از شاخصه‌های اصلی این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، حساسیت و توجه مردم به برنامه‌های نامزدهاست. اگر چه شعارهای انتخاباتی بازتاب دهنده طرز فکر نامزدهای انتخابات است اما افکار عمومی با دقت در این شعارها و تطبیق آنها با سوابق و توانایی و توانمندی افراد، آنها را در ترازو گذاشته و در نهایت فرد موردنظر خود را راهی پاستور می‌کنند.